

گزارش به ملت

درباره محکومیت دبیرکل نهضت آزادی ایران

هموطنان عزیز

همان‌طور که از طریق اخبار ناقص روزنامه‌ها آگاه شده‌اید، اخیراً شعبه دوازدهم دادگاه انقلاب اسلامی تهران آقای دکتر ابراهیم یزدی - دبیرکل نهضت آزادی ایران - را به دلیل مخدوش اعلام کردن نامه منتسب به رهبر فقید انقلاب درباره نهضت آزادی، متهم به «توهین و نشر اکاذیب» نموده و در نهایت به سه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم کرد.

به دلیل بی‌اساس بودن این اتهام و عدم صلاحیت دادگاههای انقلاب برای رسیدگی به چنین اتهاماتی، آقای احمد صدر حاج‌سیدجوادی - وکیل نهضت آزادی ایران - به دادستان کل کشور شکایت کرده و ارجاع پرونده را به دیوان عالی کشور درخواست نموده‌اند.

از آنجا که انتشار خبر این محکومیت موجب مراجعه و سؤال مردم شده است، گزارش زیر به اختصار برای آگاهی عموم منتشر می‌گردد:

۱- در آذرماه ۱۳۶۸ پس از درگذشت رهبر فقید انقلاب، آقای سیدعلی اکبر محتشمی - وزیر اسبق کشور- نامه‌ای را که تاریخ آن بهمن ۱۳۶۶ ذکر شده بود و ایشان مدعی صدور آن از جانب بنیانگذار جمهوری اسلامی خطاب به وزیر کشور بودند، علیه نهضت آزادی ایران و مؤسسين و رهبران آن منتشر کردند.

۲- اصالت این نامه که نخست در دانشگاه تهران در جلسه سخنرانی آقای محتشمی با دانشجویان مطرح و سپس در روزنامه‌های کیهان و جمهوری اسلامی و مجله پاسدار اسلام منتشر گردید، بنا بر دلایل متعددی، از جمله دلایل زیر، مورد شک و تردید نهضت آزادی ایران قرار گرفت:

۱-۲- تاریخ نامه - بهمن ۱۳۶۶ - مصادف با زمانی است که تهران آماج موشک‌ها و بمبهای متجاوزان عراقی قرار داشت و هیچ‌گونه بحثی درباره اجرای قانون احزاب و یا مشارکت نهضت آزادی ایران در انتخاب دوره سوم مجلس شورای اسلامی مطرح نبود. آقای محتشمی مدعی بودند که نامه مورد اشاره در پاسخ سؤال ایشان به عنوان وزیر کشور نوشته شده است. اما نامه وزیر کشور به رهبر فقید انقلاب هرگز منتشر نشد.

۲-۲- متن نامه مخالف آشکار رویه مرضیه امام (ره) بوده و در بیانات رسمی و قطعی‌الصدور رهبر فقید انقلاب چنین رویه‌ای سابقه نداشته است.

۳-۲- در نامه مورد بحث عبارات، کلمات و شیوه‌هایی به کار رفته است که در هیچ یک از نامه‌ها و سخنان رهبر فقید انقلاب سابقه نداشته است. از جمله این که در تمام نامه‌های معظم‌له تاریخ نامه در

کنار امضا می‌آمده است، در حالی که در اولین نسخه‌های منتشر شده از این نامه، تاریخ در بالای صفحه درج شده است. همچنین، نامه مذکور با آیه شریفه «والسلام علی من اتبع الهدی» که خطاب قرآن کریم به غیرمسلمانان می‌باشد، ختم شده است که قاعدتاً در جواب رهبر فقید انقلاب به وزیر کشور نباید از چنین آیه‌ای استفاده شود.

۲-۴- عدم تشابه خط نامه با خطی که در همان تاریخ رهبر فقید انقلاب یکی از اشعار خود را نوشته‌اند و در مطبوعات عیناً چاپ شده است.

نهضت آزادی ایران، طی بیانیه‌ای در دی‌ماه ۱۳۶۸، دلایل خود را در رد اصالت این نامه به طور مبسوط منتشر کرده است.

۳- در خردادماه ۱۳۶۷، جمعی از رهبران و فعالان نهضت آزادی بازداشت شدند. در هیچ یک از بازجویی‌های بسیار گسترده، کمترین اشاره و استنادی به چنین نامه‌ای نشده است و این امر حاکی از آن می‌باشد که در آن تاریخ، نامه مورد بحث وجود نداشته است.

۴- نهضت آزادی ایران در زمان دبیرکل شادروان مهندس بازرگان، با توجه به بیانات موهن آقای محتشمی، در دو نوبت در تاریخ‌های ۶۷/۹/۲۶ و ۶۷/۱۰/۱۸ از ایشان به داسرای عمومی تهران شکایت کرد. هر دو شکوائیه به شعبه ۳۴ داسرای عمومی ارجاع شد و مورد رسیدگی قرار گرفت. آقای محتشمی در بازپرسی مدعی شدند که سخنان خود را علیه نهضت آزادی و رهبران آن به استناد نامه منسوب به امام اظهار داشته‌اند. بازپرس وقت شعبه ۳۴ براساس تقاضای شاکی (نهضت آزادی ایران) قرار انجام کارشناسی خط و امضای نامه را بر طبق مفاد وصیت‌نامه امام صادر کرد. در روز ۶۹/۳/۵ شادروان مهندس بازرگان به اتفاق وکیل نهضت آزادی - آقای صدر حاج‌سیدجوادی - در دادگاه حضور یافتند. چند تن از افسران شهربانی نیز به عنوان کارشناس خط و امضا به دعوت بازپرس آمده بودند. بعد از گذشت نیم ساعت یا بیشتر، آقای بازپرس اعلام کردند: آقای مهندس، شما تشریف ببرید؛ اصل نامه نیامده است. (نقل به مضمون)

به این ترتیب، رسیدگی به شکایت نهضت آزادی و کارشناسی خط و امضای نامه معوق و مسکوت

ماند.

۵- در روز ۱۵ دی‌ماه ۶۹ - حدود یک سال بعد از جریان مذکور - آقای حمید انصاری از نهضت آزادی ایران شکایت کرده، مدعی شدند که نهضت آزادی با صدور بیانیه خود در دی‌ماه ۱۳۶۸ به مرحوم حجت‌الاسلام حاج سیداحمدآقا خمینی نسبت جعل داده است. این شکایت نیز به شعبه ۳۴ داسرای عمومی تهران ارجاع شد و مورد رسیدگی قرار گرفت. زنده‌باد مهندس بازرگان به عنوان دبیرکل به دادگاه احضار شدند ولی پس از چند جلسه بازپرسی، پرونده مسکوت گذاشته شد.

به این ترتیب، هر دو شکایت مسکوت ماند و پس از آن هیچ فرد یا گروهی به نامه مذکور استناد نکرد.

۶- در ۱۷ تیرماه ۷۱، دبیر کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب در وزارت کشور در نامه‌ای خطاب به «مؤسسين نهضت آزادی ایران» اطلاع داد که درخواست آنان برای صدور پروانه رد شده است.

لازم به یادآوری است که نهضت آزادی ایران در اردیبهشت ۱۳۴۰ تأسیس شده است، اما گویا اعضای کمیسیون ماده ۱۰ از آن بی‌اطلاع بوده یا تجاهر کرده‌اند!

نهضت آزادی ایران در ۱۲ اسفندماه ۷۱ بر طبق مواد ۱۳ و ۱۶ قانون احزاب از وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب به دادگاه عمومی شکایت کرد و لغو ابلاغیه مورخ ۷۱/۴/۱۷ وزارت کشور را خواستار شد. شعبه پنجم دادگاه حقوقی یک که به این شکایت رسیدگی می‌کرد از کمیسیون ماده ۱۰ مستندات پرونده را در رد درخواست نهضت آزادی مطالبه کرد. آقای بادامچیان - دبیر اجرایی جمعیت مؤتلفه اسلامی و مشاور سیاسی رئیس قوه قضائیه - در مقام رئیس کمیسیون ماده ۱۰ طی نامه‌ای به تاریخ ۷۱/۱۲/۱۵ موارد استنادی کمیسیون را توضیح دادند. در توضیحات مذکور درباره نامه منتسب به امام آمده است که:

«الف - کمیسیون اصالت (نامه) را تأیید می‌کند و بلاتردید خط و انشا و امضای حضرت

امام است. ب - در زمان حیات ظاهری حضرت امام این نامه منتشر شده و رد نفرمودند.»

هر دو دلیل بالا نادرست و غیرقابل استناد است. زیرا اولاً کمیسیون ماده ۱۰ فاقد صلاحیت برای تأیید اصالت نامه می‌باشد و ثانیاً نامه مورد بحث هرگز در زمان حیات امام منتشر نگردیده است و این ادعا کاملاً بی‌اساس است.

آقای بادامچیان در نامه خود به دادگاه فوق‌الذکر، هیچ اشاره‌ای به انجام کارشناسی خط و امضا و تأیید اصالت نامه ننموده‌اند.

سرانجام، شعبه پنجم دادگاه حقوقی یک رأی به عدم صلاحیت خود داد. شکایت نهضت آزادی ایران نیز به دیوان عدالت اداری ارجاع گردید و از آن زمان تاکنون دیوان مذکور به این شکایت رسیدگی ننموده و حکمی صادر نکرده است.

۷- به مناسبت درگذشت شادروان مهندس بازرگان (۳۰ دی‌ماه ۷۳) مقام محترم رهبری و سایر شخصیت‌های برجسته جمهوری اسلامی در تلگراف تسلیت به آقای دکتر یدالله سبحانی و خانواده، در تجلیل از خدمات شادروان مهندس بازرگان مطالبی را عنوان کرده‌اند که با مفاد نامه مورد بحث در تعارض و تناقض است.

۸- در مهرماه ۱۳۷۴، آقای بادامچیان، در مصاحبه با خبرنگار نشریه صبح، مجدداً نهضت آزادی را مورد حملات مغرضانه قرار داد و از نامه مورد بحث برای مقاصد سیاسی خود بهره گرفت. نهضت آزادی ایران به این حملات پاسخ داد و نشریه صبح همزمان با درج جوابیه نهضت، توضیحاتی را از سوی آقای بادامچیان چاپ کرد. در مصاحبه و توضیحات آقای بادامچیان چند نکته به شرح زیر وجود دارد:

۸-۱- ایشان ادعا کرده‌اند: «دادگاه (شعبه پنجم دادگاه حقوقی یک) به نفع کمیسیون رأی داد. بنابراین وضع نهضت آزادی از لحاظ قانون روشن است.»

این ادعا نادرست و خلاف واقعیت است. زیرا همان‌طور که در بند ۶ توضیح داده شد، دادگاه بدوی از خود سلب صلاحیت نمود و شکایت نهضت آزادی به دیوان عدالت اداری ارجاع گردیده است.

۸-۲- نوشته شده است که: «مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد (ره) همواره این نامه را تأیید می‌کردند.»

حتی در صورت صحت کامل این ادعا، تأیید اصالت‌نامه توسط فرزند امام شرط وصیت‌نامه دایر بر کارشناسی خط و امضا را تأمین نمی‌کند.

۸-۳- آقای بادامچیان در نشریه صبح نوشته‌اند که: «نهضت آزادی سابقه این کار (شکایت از آقای محتشمی) را پیگیری کرد... دادسرای عمومی نیز با سماجت و دقت شکایت را بررسی و جلسات متعددی را تشکیل داده است ولی هیچ‌گونه حکمی صادر نشده است.»

دادگاه فوق نه تنها در مورد شکایت نهضت آزادی، بلکه در مورد شکایت دفتر نشر آثار امام خمینی (ره) نیز حکمی صادر نکرده است.

۸-۴- ایشان مدعی شده‌اند که: «تا زمانی که معلوم، قطعی و قانونی نشود که منسوب به امام نبوده است به قوت خود باقی است و اصیل به شمار می‌رود و می‌توان به آن استناد کرد.»

این ادعا فاقد وجهت قانونی است. زیرا رهبر فقید انقلاب در وصیت‌نامه خود به صراحت هر نوع نامه منتسب به خودشان را که بعد از حیاتشان منتشر گردد علی‌الاطلاق مخدوش و مشکوک اعلام کرده‌اند، مگر آن که اصالت آن از طریق کارشناسی خط و امضاء تأیید گردد.

۹- در ۱۷ آذرماه ۷۳، آقای مهندس بازرگان در بیمارستان دی تهران بستری شدند. آقای حاج سیداحمد خمینی که برای عیادت یکی از آقایان روحانی به بیمارستان رفته بودند، به اتفاق همراهانشان از آقای مهندس بازرگان نیز عیادت کردند و در ضمن صحبت به ایشان چنین گفتند: «امام همیشه به ایمان و اسلام و تدین شما اعتقاد داشتند.» و سپس از ایشان حلالیت طلبیده و گفتند: «ما را دعا کنید.» (روزنامه اطلاعات، ۲۳ اسفندماه ۱۳۷۵).

طبیعتاً اگر مفاد نامه اصالت داشت، مرحوم حاج سیداحمدآقا چنین سخنانی را در دیدار با مرحوم مهندس بازرگان بر زبان نمی‌آورد.

در ۳۰ دی‌ماه ۱۳۷۳، آقای مهندس بازرگان دار فانی را وداع گفته، به دیدار معبود شتافتند. مرحوم حاج سیداحمدآقا خمینی برای ادای احترام نسبت به زنده‌یاد مهندس بازرگان و دادن تسلیت به خانواده ایشان به منزل آقای مهندس عبدالعلی بازرگان رفتند.

۱۰- در ۲۸ اسفندماه ۷۴ نامه‌ای از مرحوم حاج سیداحمد خمینی خطاب به آیت‌الله پسندیده (ره) درباره نامه مورد بحث منتشر گردید. در حالی که حاج احمدآقا تا هنگام فوت، رئیس مؤسسه نشر و حفظ آثار امام بودند، در آن نامه ادعا نکرده‌اند که مؤسسه مذکور صلاحیت تأیید اصالت نامه را داشته و آن را تأیید کرده است و با این که کارشناسی خط و امضاء، بر طبق وصیت‌نامه، انجام یافته است. بلکه ایشان خطاب به عموی بزرگوارشان نوشته‌اند که: «بار دیگر از شما تقاضا می‌کنم که اگر این نامه، یعنی نامه امام به آقای محتشمی، خط امام است، که هست، مرقوم فرمایید و کسانی را که به دروغ چنین نسبتی را به من داده‌اند خائن بدانید.»

از آنجا که پاسخی از مرحوم آیت‌الله پسندیده به این نامه منتشر نگردیده است، به نظر می‌رسد که آن بزرگوار پاسخی نداده‌اند و یا اگر داده‌اند، پاسخشان نظر فرزند امام را تأمین نمی‌کرده است. این نامه قرینه دیگری است از عدم اجرای نص وصیت‌نامه و عدم صلاحیت دفتر نشر آثار برای تأیید اصالت نامه و نگرانی نسبت به پیامدهای عدم تأیید اصالت آن.

۱۱- در شهریورماه ۷۵ - یعنی پس از گذشت هفت سال از تاریخ اولین شکایت از نهضت آزادی ایران و عدم صدور حکم از طرف دادگاه ذی‌ربط - بار دیگر آقای حمید انصاری از طرف مؤسسه نشر و حفظ آثار از نهضت آزادی ایران به دستگاه قضایی شکایت کردند. شعبه ۳۱ دادگاه عمومی آقای دکتر ابراهیم

یزدی را به صفت دبیرکل نهضت آزادی ایران احضار و به شکایت رسیدگی کرد. در این ارتباط، نکات زیر قابل توجه است:

۱-۱۱- مدارک ارائه شده توسط شاکی علیه آقای دکتر یزدی پاسخهای چاپ شده نهضت آزادی ایران به حملات آقای بادامچیان به نهضت آزادی در نشریه صبح بوده است. در حالی که این پاسخها با امضای نهضت آزادی چاپ شده است، رئیس دادگاه آقای دکتر یزدی را نه به عنوان دبیرکل نهضت آزادی، بلکه به صفت شخصی محاکمه نمود!!

۱۱-۲- رئیس دادگاه در تفهیم اتهام به آقای دکتر یزدی اعلام کرد: «شما در مطالبی عنوان نموده‌اید که نامه کذابی مخدوش است و این اهانت به مقام حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد.» رئیس دادگاه مدعی شد که به موجب قانون تأسیس دفتر حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره) مصوب ۶۸/۸/۲۷ مجلس شورای اسلامی، تأیید اصالت نامه‌ها بر عهده این مؤسسه است و کارشناسی خط و امضا معنا ندارد.

۱۱-۳- آقای دکتر یزدی پاسخ دادند: اولاً اهانتی به مقام امام (ره) نشده است. خود آن حضرت در وصیت‌نامه اظهار نگرانی کرده‌اند که پس از ایشان ممکن است اشخاصی مدعی دستخط و امضایشان بشوند و بنابراین هر نامه منتسب به ایشان علی‌الاطلاق مجعول خواهد بود مگر آن که کارشناسی خط و امضا صورت بگیرد. ثانیاً در قانون مذکور نیامده است که ارزیابی مؤسسه جایگزین کارشناسی خط و امضا خواهد بود. ثالثاً در هیچ زمانی مؤسسه مدعی نشده است که در مورد نامه کارشناسی خط و امضا صورت گرفته و مورد تأیید کارشناسان قرار گرفته است.

۱۱-۴- آقای رئیس دادگاه ادعای مخدوش بودن نامه را اهانت به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی و لذا رسیدگی به آن را در صلاحیت دادگاههای انقلاب دانستند. به این ترتیب، دادگاه عمومی پرونده را به دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارجاع نمود.

۱۲- در دی‌ماه ۷۵، شعبه ۱۲ دادگاه انقلاب اسلامی تهران آقای دکتر یزدی را به دنبال شکایت آقای حمید انصاری مسئول دفتر نشر و حفظ آثار، احضار و در ۷۵/۱۱/۱۵ به اتهام «اهانت به مقام رهبر فقید انقلاب» به شرح زیر محاکمه و محکوم کرد:

۱۲-۱- از آنجا که مستندات شاکی، جوابهای نهضت آزادی ایران به مطالب نادرست آقای بادامچیان در نشریه صبح بود، در جلسه اول دادگاه آقای صدر حاج سیدجوادی به عنوان وکیل نهضت آزادی پذیرفته شدند و آقای دکتر یزدی به عنوان دبیرکل نهضت آزادی مورد محاکمه قرار گرفتند.

۱۲-۲- در جلسه دوم، آقای دکتر یزدی به صفت شخصی محاکمه شدند؛ در حالی که مطالب مورد استناد شاکی و دادگاه با امضای نهضت آزادی ایران منتشر شده بود.

۱۲-۳- دادگاه پرونده را در اختیار متهم یا وکیل وی قرار نداد تا با مطالعه آن به موارد مورد استناد در شکوائیه جواب داده شود. شاکی مطالبی را به طور شفاهی اظهار داشت و مدعی شد که نامه قطعی‌الصدور است و ادعای مخدوش بودن آن از مصادیق توهین به رهبر فقید انقلاب اسلامی است. وی در دادگاه متنی را که مدعی بود اصل نامه مورد بحث است، ارائه نمود. این نامه فاقد تاریخ بود در حالی که آن چه در روزنامه و یا توسط آقای محتشمی منتشر شده است تاریخ بهمن ۱۳۶۶ را دارد. وی همچنین ادعا کرد که تکذیب اصالت نامه، تهمت جعل به حاج سیداحمد آقا محسوب می‌گردد.

۱۲-۴- آقای صدرحاج‌سیدجوادی با استناد به اصل ۱۶۸ قانون اساسی و مواد ۱۳ و ۱۶ قانون احزاب، رسیدگی به این شکایت را تنها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و با حضور هیأت منصفه و به طور علنی دانستند و طی نامه‌ای دادگاه انقلاب اسلامی را فاقد صلاحیت برای رسیدگی اعلام کرده، درخواست صدور رأی عدم صلاحیت و ارجاع پرونده به دادگاه صلاحیت‌دار را نمودند. این درخواست از طرف دادگاه رد شد و دادگاه صلاحیت خود را تأیید کرد.

۱۲-۵- متهم و وکیل وی در دادگاه توضیح دادند که در سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ شکایاتی از طرف نهضت آزادی و مؤسسه نشر آثار در همین رابطه در شعبه ۳۴ داسرای عمومی مطرح بوده است و درخواست کردند که آن پرونده‌ها نیز به این شعبه ارجاع گردد. اما دادگاه این درخواست را نپذیرفت.

۱۲-۶- دادگاه درخواست آقای صدرحاج‌سیدجوادی، وکیل متهم را برای مطالعه پرونده رد کرد.

۱۲-۷- آقای صدرحاج‌سیدجوادی متن دفاعیه‌ای را در ۶ صفحه در دادگاه خواندند و توضیحاتی دادند. در آن لایحه، علاوه بر نکاتی که در بندهای گذشته این گزارش آمده است، به برخی نکات دیگر نیز پرداخته شده است. از جمله این که:

۱۲-۷-۱- به موجب قانون، «جرم عبارت است از انجام عمل (خلاف قانون) یا عدم انجام عمل (مقرر در قانون)» مورد شکایت به هیچ وجه با تعاریف قانونی تطبیق نمی‌کند.

۱۲-۷-۲- با ارائه دلایل مختلف نشان داده شده که انکار حدیث از جهت شرعی و عقلی و حقوقی جرم نیست و تشکیک درباره احادیث، حتی احادیث قدسی و نبوی، در نزد علما امری رایج بوده و این تشکیک‌ها هرگز اهانت به مقام معصومین تلقی نشده است. بنابراین، انکار اصالت نامه مورد ادعای آقای محتشمی که اولین بار بعد از درگذشت امام منتشر گردید، جرم نیست و انکار اصالت آن معادل مترادف با انکار شأن و مقام و نقش مؤثر رهبر فقید انقلاب نمی‌باشد.

۱۲-۷-۳- بنا به دلایلی که مشروحاً در لایحه آمده است، استناد به ماده اول قانون نحوه حفظ آثار و یاد امام، مصوب ۶۸/۸/۱۷ مجلس شورای اسلامی، برای تأیید اصالت نامه مردود است مگر آنکه صحت و اصالت آن به طریقی که در وصیت‌نامه قطعی‌الصدور مقرر شده است، مسلم گردد. چنین ادعایی نه در شکایت مؤسسه از نهضت آزادی (مورخ ۱۳۶۹)، نه در توضیحات آقای بادامچیان به شعبه پنجم دادگاه حقوقی یک، نه در نامه حاج سیداحمدآقا به آیت‌الله پسندیده (چاپ شده در اسفند ۷۴) و نه در مصاحبه آقای بادامچیان با خبرنگار نشریه صبح (در مهرماه ۷۴) نیامده است.

۱۲-۷-۴- بر طبق نص صریح آیه ۱۸۱ سوره بقره و اجماع فقهای امامیه، کسی حق ندارد که وصیت متوفی را جز در موارد مالی و مازاد بر ثلث، تغییر دهد. بنابراین، چون اصالت خط و امضای نامه بر طبق وصیت‌نامه مورد کارشناسی و تأیید قرار نگرفته و مؤسسه یادشده نیز فاقد صلاحیت در این مورد می‌باشد، اصالت‌نامه همچنان مورد تردید بوده، اظهار چنین تردید و تشکیکی به معنای وهن بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد.

۱۳-۱- شعبه ۱۲ دادگاه انقلاب اسلامی تهران در ۷۵/۱۲/۹ رأی خود را صادر و آقای دکتر یزدی را محکوم کرد. به موجب این رأی، اظهارات آقای دکتر یزدی و اطلاعیه وی در نشریه صبح از مصادیق بارز توهین و نشر اکاذیب و موجب تشویش اذهان عمومی دانسته شده و دادگاه ایشان را به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم نموده بود.

۱۴- آقای دکتر یزدی رأی دادگاه را نه تنها از جهات شرعی، قانونی و حقوقی مردود دانستند، بلکه فقدان تدبیر سیاسی در رأی صادره را به دادگاه متذکر شدند.

۱۵- آقای صدر حاج‌سیدجوادی، وکیل متهم، در ۲۸ اسفند ۱۳۷۵ به حکم صادره رسماً اعتراض نمودند.

۱۶- دادگاه تجدید نظر انقلاب اسلامی ایران، به جای رسیدگی به اعمال خلاف قانونی که در دادگاه بدوی صورت گرفته بود، تشکیک و تردید ابراز شده را مترادف با ادعای نسبت جعل نامه به مرحوم حجت‌الاسلام حاج احمدآقا تلقی کرده، به زیر سؤال بردن نامه را «خالی از غرض و شائبه نشر اکاذیب» ندانست و در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۲۱ محکومیت آقای دکتر یزدی در دادگاه بدوی را از ۶ ماه زندان به پرداخت سه میلیون ریال تغییر داد. این حکم در تاریخ ۷۶/۹/۱۶ به متهم و وکیل وی ابلاغ گردید.

۱۷- در ۶ دی‌ماه ۷۶ از طرف شعبه ۷ دادگاه اجرای احکام دادگاه انقلاب اسلامی به آقای دکتر یزدی و وکیل ایشان اجرای حکم ابلاغ و تعهد گرفته شد که جریمه مقرر تا پایان دی‌ماه پرداخت گردد.

۱۸- در ۱۵ دی‌ماه ۷۶ وکیل متهم بر طبق ماده ۳۱ آیین دادرسی طی نامه‌ای به دادستان کل کشور از رأی دادگاه انقلاب اسلامی تهران و دادگاه تجدیدنظر شکایت نموده و تقاضای رسیدگی و ارجاع پرونده امر به شعبه دیوان عالی کشور و نقض بلارجاع حکم تجدید نظر را کردند و موارد نقض مقررات قانونی را از طرف دادگاه یک به یک برشمردند. از جمله این که دادگاه انقلاب موضوع اتهام را از «توهین» به «اشاعه اکاذیب» تغییر داده است و در این صورت باید با سلب صلاحیت از خود، پرونده را به دادگاههای عمومی ارجاع می‌کرد. ضمناً از هیچ یک از اوراق پرونده، حتی از حکمی که متهم باید به آن اعتراض نماید، رونوشت یا تصویری به متهم یا وکیل او داده نشده است!!

۱۹- در ۳۰ دی‌ماه ۷۶ آقای دکتر یزدی به موجب حکم دادگاه اجرای احکام، مبلغ سه میلیون ریال به حساب خزانه‌داری کل واریز کردند. اما آقای دادستان کل کشور هنوز نظر خود را در مورد درخواست وکیل متهم ابراز ننموده است.

هوطنان عزیز

به طوری که از این گزارش نتیجه می‌شود، ابتدایی‌ترین اصول دادرسی در رسیدگی به این پرونده نادیده گرفته شده است. نهضت آزادی ایران لازم می‌داند که نکات زیر را به اطلاع عموم برساند:

۱- نهادهای دولتی و قضایی در مورد نهضت آزادی ایران دچار تناقض شده‌اند. آنها از یک سو مدعی هستند که نهضت آزادی ایران غیرقانونی است و از سوی دیگر، شادروان مهندس بازرگان و آقای دکتر یزدی را به عنوان دبیرکل نهضت آزادی احضار می‌کنند ولی در عین حال آنان را به صفت شخصی و نه حزبی، در ارتباط با نشریاتی که امضای نهضت آزادی را دارد محاکمه و محکوم می‌نمایند!!

علاوه بر این، قوه قضاییه در حالی که به شکایت علیه نهضت آزادی سریعاً رسیدگی می‌کند، خود را موظف به رسیدگی به شکایات نهضت آزادی علیه شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی نمی‌داند. مثلاً شکایت نهضت آزادی از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب بیش از چهار سال است که مسکوت مانده است!!

۲- نهضت آزادی ایران علاوه بر ایرادهای حقوقی و قانونی که بر نامه منتشر شده مورد بحث مترتب می‌داند - از جمله عدم بررسی کارشناسانه خط و امضای نامه که در وصیت‌نامه رهبر فقید انقلاب

تصریح شده است - مطالب و محتویات نامه را از مصادیق اتهاماتی بی‌اساس به شخصیت‌های برجسته‌ای نظیر آقای دکتر یدالله سبحانی، شادروان مهندس بازرگان، مرحوم آیت‌الله طالقانی، آقای صدرحاج سیدجوادی و... که خدمات طولانی آنان به ایران و اسلام مورد تصدیق همگان، از جمله رهبر محترم انقلاب اسلامی قرار گرفته است، می‌داند.

قانون اساسی همه مردم را در برابر قانون یکسان می‌داند و اگر شهروندان حق توهین به مقامات و به یکدیگر را ندارند، مقامات نیز حق توهین به اجتماع مردم یا فرد فرد آنها را ندارند. مولای متقیان، امام علی(ع) فرمود: «حق را با اشخاص نسنجید، بلکه اشخاص را با حق بسنجید.» بنابراین اتهاماتی که در این نامه به نهضت آزادی ایران وارد شده است، تا زمانی که در یک دادگاه عمومی بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی مورد رسیدگی قرار نگرفته و به اثبات نرسد، از مصادیق توهین و افترا و فاقد وجهت حقوقی و قانونی و سیاسی می‌باشد.

۳- نهضت آزادی ایران بر طبق قانون اساسی و قانون احزاب، خود را قانونی می‌داند و لذا همچنان به فعالیت خود، علی‌رغم همه محدودیت‌هایی که به آن تحمیل می‌شود، ادامه خواهد داد.

رئیس جمهور منتخب مردم به کرات بر تعهدات و سوگند خویش مبنی بر اجرای قانون تأکید کرده‌اند و حق فعالیت آزاد تمام احزاب سیاسی مخالف، ولی وفادار را به رسمیت شناخته‌اند و در مواقع و فرصت‌های مناسب، نهضت آزادی ایران را نیز مشمول این حقوق قانونی دانسته‌اند. به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده باشد که رئیس محترم جمهوری اسلامی به وضعیت اسفبار کنونی خاتمه دهند و حق مسلم یک حزب سیاسی ملی - اسلامی را با سابقه چهل ساله، رسماً و علناً اعلام نمایند.

نهضت آزادی ایران